

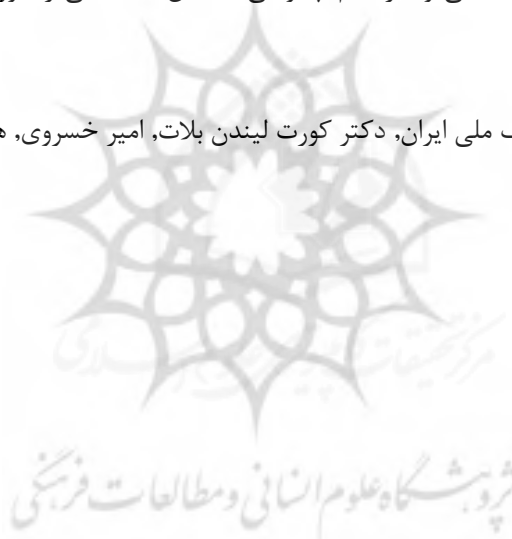
حضور مستشاران آلمانی و تاسیس بانک ملی در ایران

خدیدجه سلطانی لرگانی*، هادی دل آشوب**

چکیده:

با خروج مستشاران مالی آمریکا به ریاست دکتر میلسپو از ایران، راه برای استخدام متخصصین و مستشاران آلمانی در موسسات مالی و بانکی ایران گشوده شد. دولت ایران برای برقراری روابط مالی و تجاری بیشتر متوجه آلمان شد. در این زمینه هم ایران و هم آلمان به تاسیس یک بانک آلمانی در ایران راغب بودند ولی اینکه باید یک بانک آلمانی مستقل تاسیس شود یا اینکه تنها شعبه‌ای از یکی از بانکهای آلمانی در ایران تاسیس شود مشخص نبود در داخل اختلافاتی وجود داشت. دولتمردان غیر وابسته ایران تمایل داشتند که آلمانها را ترغیب کنند تا نقش فعال‌تری در ایران ایفا کنند و آلمان نیز علاقه داشت که نفوذ انگلستان و روسیه در ایران محدود شود. در این مقاله ما چگونگی ورود مستشاران مالی آلمانی به ایران و اقدامات آنها برای تاسیس بانک آلمانی و سرانجام چگونگی تاسیس بانک ملی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

کلمات کلید واژه: بانک ملی ایران، دکتر کورت لیندن پلات، امیر خسروی، هرشیتس هورست، رضا شاه.



* دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه خوارزمی تهران

** دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ از دانشگاه خوارزمی تهران

hadidlashob@gmail.com

در سالهای ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۷ ایران در وضع اقتصادی خیلی بدی قرار گرفته بود، شرایط سنگینی که برای پرداخت وامها به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی وجود داشت اجازه نمی‌داد که این قروض مستهلک شود و ایران هر چه بیشتر زیر نفوذ سیاسی و اقتصادی این دو قدرت قرار می‌گرفت. از این رو دولت ایران به فکر چاره اندیشی افتاد و راه‌هایی از وضع موجود را تاسیس بانک می‌دید، در نتیجه تلاش فراوان کرد تا ایجاد بانک تحقق یابد، اما عوامل زیادی سد این راه شده بودند که یکی از این عوامل شرایط وامهای دریافتی از روس و انگلیس بود که دست و پای دولت ایران را بسته بود و به هیچ وجه نمی‌توانست دست نیاز به سوی قدرت دیگری دراز کنند. در ابتدای ماه ژوئن توسط میرزا حسین خان مومن‌الملک پسر رئیس الوزرای ایران یک پیشنهاد غیر رسمی در مورد واگذاری امتیاز تاسیس بانک به کاردار سفارت آلمان داده شد. میرزا حسین خان اظهار داشت که دولت ایران با موافقت خود نسبت به تاسیس خط کشتیرانی آلمان در سواحل خلیج فارس نیت خود را در مورد استقبال از سیاست فعالانه آلمان نشان داده است و این دولت معتقد است که در صورت عدم تاسیس یک بانک آلمانی در ایران، آلمان موفق به رقابت موفقیت آمیز تجاری با انگلستان و روسیه نخواهد بود و هر گروه مالی که مورد تایید امپراطوری آلمان باشد، شاه ایران امتیاز مربوطه را اعطا و دولت ایران نیز از آن گروه دریغ نخواهد ورزید و کم کم متخصصان آلمانی راهی ایران شدند.

در این مقاله سعی شده بیشتر با تکیه بر اسناد و مدارک معتبر به بررسی ورود متخصصان آلمانی به سیستم بانکی ایران و در نهایت تشکیل بانک ملی ایران بپردازیم.

نخستین اقدامات برای تاسیس بانک ملی در ایران:

تشکیل بانک به شکل جدید نخستین بار در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی (۱۲۹۶ ه - ق) ده سال قبل از بوجود آمدن بانک شاهی از سوی حاج محمدحسن امین دارالضرب یکی از صرافان بزرگ تهران به ناصرالدین شاه قاجار پیشنهاد شد. متأسفانه این پیشنهاد با دخالت‌های بیگانگان و عوامل آنان جامه عمل نپوشید و به جای آن بانک شاهی در ایران مستقر گردید، پس از استقرار مشروطیت هنگامی که دولت از مجلس شورای ملی اجازه استقراض خارجی خواست، احساسات ملی که از وامهای گذشته و رفتار بانکهای بیگانه جریحه دار شده بود به هیجان آمد و نمایندگان مردم به منظور قطع نفوذ سیاسی و اقتصادی بانکهای مذکور و در ترمیم وضع مالی خزانه ضمن مخالفت با استقراض خارجی تاسیس بانک ملی را خواستار شدند، جمعی از

بازرگانان و صرافان متعهد مشارکت در این بانک شدند، در آذرماه ۱۳۸۵ با اعلانی که مبین احساسات عمومی و علاقه مردم به تاسیس یک بانک اعتباری ملی در ایران بود، انتشار یافت. در روز ۲۳ آبان ۱۳۸۵ میرزا ابوالقاسم ناصرالملک وزیر مالیه وقت مظفرالدین شاه در مجلس شورای ملی حاضر شد و از اوضاع نابسامان مالی کشور خبر داد و پیشنهاد داد که دولت برای رفع این مشکل مبلغی از کشورهای اروپایی وام دریافت کند که با مخالفت شدید نمایندگان مواجه شد. نمایندگان پس از شور و پیگیری در روز ۹ آذر ماه همان سال با تأسیس بانکی که بتواند برای کشور سود داشته و با سپرده های مردم به نفع کشور و مردم کار کند موافقت کردند. خبر تشکیل بانک ملی با سرمایه ۱۵ میلیون (۳۰ کرور) قابل افزایش به ۵۰ میلیون تومان با وجد و شغف عموم ملت روبرو شد. از طرفی دیگر تغییرات ناگهانی در اوضاع سیاسی و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی بین دولتهای روسیه و انگلیس و تقسیم ایران و نیز آغاز جنگ جهانی اول و ورود نیروهای اشغالگر به ایران تمام کوششها و تلاشهای تشکیل بانک ملی را نقش بر آب کرد و این آرزوی بزرگ مردم سالها به تعویق افتاد.

اقدام برای تاسیس بانک آلمانی در ایران

در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م هنگامی که هیئت مستشاران مالی آمریکا به ریاست دکتر میلیسپو ایران را ترک کردند، راه برای استخدام متخصصین و مستشاران آلمانی در موسسات مالی و بانکی ایران گشوده شد. در ۷ مهر ۱۳۰۷ش/۲۹ سپتامبر ۱۹۲۷م قانونی به تصویب مجلس رسید که مقرر می داشت یک متخصص عالی رتبه آلمانی جهت مشاوره در امور مالی و اقتصادی کشور و یک متخصص آلمانی دیگر استخدام شوند، که با توجه به عدم رضایت دولت ایران از اختیارات سابق دکتر میلیسپو قرار شد این متخصصان صرفاً به شکلی مشورتی کار انجام دهند. گروه دیگر از کارشناسان آلمانی نیز سرپرستی بخشهای اداری شعب آن را بر عهده گرفتند. در سال ۱۳۰۸ش/۱۹۲۹م یکی از اتباع آلمانی به ریاست کل دیوان محاسبات و دیگری به سمت مدیر امور مالی با اختیارات تام منصوب شد (زرگر: ۶۰) نصرت الدوله فیروز که در این هنگام وزیر مالیه بود پس از خاتمه کار مستشاران آمریکایی به تجدید بنای این وزارت خانه پرداخت (یکتایی: ۱۳۴۰: ۵) و در این امر از متخصصان آلمانی از جمله دکتر شینوید بهره مند گردید (ذوقی: ۴۰۴) از موسسات جدید دارائی، تاسیس ضرابخانه و تشکیلات آن بود که برای سکه و توسعه امور اقتصادی و مبادلاتی پول، اقدام به خرید جدیدترین ماشین آلات در این زمینه کرد و توسط کارشناسان آلمانی برپا و به راه افتاد (آوری: ۲۰۲) در سال ۱۳۸۴ش/۱۹۰۵م دولت ایران برای برقراری روابط مالی و تجاری بیشتر متوجه آلمان شد. در این زمینه هم ایران

و هم آلمان به تاسیس یک بانک آلمانی در ایران راغب بودند ولی اینکه باید یک بانک آلمانی مستقل تاسیس شود یا اینکه تنها شعبه‌ای از یکی از بانکهای آلمانی در ایران تاسیس شود مشخص نبود.

در ابتدای ماه ژوئن توسط میرزا حسین خان موتمن الملک پسر رئیس الوزرای ایران یک پیشنهاد غیر رسمی در مورد واگذاری امتیاز تاسیس بانک به کاردار سفارت آلمان داده شد. میرزا حسین خان اظهار داشت که دولت ایران با موافقت خود نسبت به تاسیس خط کشتیرانی آلمان در سواحل خلیج فارس نیت خود را در مورد استقبال از سیاست فعالانه آلمان نشان داده است و این دولت معتقد است که در صورت عدم تاسیس یک بانک آلمانی در ایران، آلمان موفق به رقابت موفقیت آمیز تجاری با انگلستان و روسیه نخواهد بود و هر گروه مالی که مورد تایید امپراطوری آلمان باشد، شاه ایران امتیاز مربوطه را اعطا و دولت ایران نیز از آن گروه دریغ نخواهد ورزید (جی براد فورد: ۱۷۰-۱۷۱) این دو قدرت قبلا در تهران اقدام به تاسیس بانک کرده بودند. بانک شاهنشاهی توسط بارون رویتر انگلیسی و بانک استقراضی روس توسط روسیه تشکیل شده بود) ایران در این زمان در وضع اقتصادی خیلی بدی قرار گرفته بود، شرایط سنگینی که برای پرداخت وامها به بانکهای شاهنشاهی و استقراضی وجود داشت اجازه نمی‌داد که این قروض مستهلک شود و ایران هر چه بیشتر زیر نفوذ سیاسی و اقتصادی این دو قدرت قرار می‌گرفت. از این رو دولت ایران به فکر چاره اندیشی افتاد و راه‌هایی از وضع موجود را تاسیس بانک می‌دید، در نتیجه تلاش فراوان کرد تا ایجاد بانک تحقق یابد، اما عوامل زیادی سد این راه شده بودند که یکی از این عوامل شرایط وامهای دریافتی از روس و انگلیس بود که دست و پای دولت ایران را بسته بود و به هیچ وجه نمی‌توانست دست نیاز به سوی قدرت دیگری دراز کنند.

«ریشت هوفن» که از اشتیاق ایران برای بسط تجارت با آلمان تعجبی نمی‌کرد در مورد دلایل این شوق و اشتیاق چنین نوشت: «باید دانست که دولت ایران گذشته از تمایل به بسط تجارت با آلمان در این مورد اجبار هم دارد، ضمن اینکه مشکلات زیادی بر سر این راه وجود دارد، معهدا آلمان نیز به سرنوشت ایران علاقه مند بوده و مایل است که این کشور روی مساعدت آلمان (همچنین قدرتهایی مانند فرانسه و اتریش) حساب کند. سیاستمداران ایرانی بر این باور بودند که ایران جهت انجام اصلاحات مالی و رفرم‌های لازم ناگزیر است در سطح جهانی اقدام نماید تا در این راه موافقت حاصل کند و در این رابطه به دولت آلمان اعتماد دارد زیرا از نظر

آنان آلمان پیوسته سیاست جلب دوستی با شرق را دنبال کرده است(جی براد فورد: ۱۷۱-۱۷۲)

ایجاد یک بانک تجاری لازم بود، تجار انگلیس و روسیه سودهای کلانی از طریق موسسات بانکی معتبر خود می‌بردند. هیچ شرکت اختصاصی روس و انگلیسی نمی‌توانست بر پایه اعتبار طولانی که ایرانی‌ها می‌خواستند تجارت کند و یا به حیات خود ادامه دهد، این بانک بود که مسئولیت را از دوش آنها بر می‌داشت و نیز یک بانک به عنوان واسطه برای دادن اعتبار کاملا واجب بود، اقلام تجارت آلمان نه بستگی به حجم درخواستهای تجاری داشت که از نمایندگی‌ها به او می‌رسیدند، نه ارتباط به توانایی آلمان در تولید داشته تا بتواند با رقبای انگلیسی و روسی خود رقابت کند، ضمنا به جهت ترس از انگلیس و روسیه، دولت ایران کاملا محتاطانه عمل می‌کرد و با آن دو دولت رفتاری کاملا ملایم داشت، البته این وضع قابل دوام نبود و دولت آلمان می‌بایست تصمیم نهائی را اعلام و یکی از دو راهی را که در پیش داشت انتخاب کند، یا در نبرد رقابت آمیزی شرکت کند که چشم انداز آن پرمفعت بود و یا اینکه سیاست همیشگی خود را که بی‌علاقه‌گی به امور سیاسی و تجاری بود دنبال نماید(جی براد فورد: ۱۷۲) در این موقع مشکلی که تاکنون لاینحل مانده بود، تمایل برخی از گروه‌ها و محافل مالی خصوصی برای تاسیس بانک در ایران بود. به نظر دولت برلین «دویچه اورینت بانک» یک انتخاب طبیعی بود. برای اینکه این بانک شعبه‌های مختلفی در شهرهای شرق میانه داشت. وزارت خارجه با آقای ویتینگ (witting) عنصر بانک مزبور از بانک آلمان شرقی و اورینت بانک (orient bank) تماس گرفت و پیشنهاد ایران را به او داد. ویتینگ ضمن اظهار علاقه پیشنهاد کرد که یک نفر کارشناس برای تحقیق و بررسی مسایل فورا به تهران فرستاده شود.

پس از تاسیس بانک؛ آلمان در ایران با توجه به مقاصد روسیه و انگلیس در نظر داشت که در این فرصت وامی به ایران بدهد ولی نمی‌دانست که در صورت چنین کاری باید بهای گزافی را از نظر سیاسی بپردازد، حتی دادن وام‌های کوتاه مدت خطرناک بود. از آنجائیکه بانک آلمان ذاتا یک موسسه خصوصی برای پیشبرد تجارت آلمان بود، دولت آلمان نمی‌توانست آنها را وادار به دادن وام کند. علاوه بر این دولت برلین در نظر داشت که به ایران اجازه دریافت هر وامی را بدهد. هرچند وزارت خارجه آلمان مایل بود به ایران وام بدهد و نمی‌خواست بر مشکلات سیاسی خود بیفزاید، ولی چندان هم بی‌میل نبود که روابط خود با ایران را در زمینه صنایع توسعه بخشد تا به این وسیله به دیپلماتهای خارجی و ژورنالیست‌ها ثابت کند که آلمان صرفا به دنبال هدفهای تجاری ایران است.

منافع مستقیم آلمان بر این قرار داشت که بانک ملی ایران را توسعه دهد، هدف آلمان در وهله اول وابسته کردن ایران از نظر مالی و سپس وابستگی سیاسی بود؛ دفتر فرماندهی شعبه بانک شرق آلمان به وسیله آقای استمریش (stermrich) ژنرال کنسول آلمان در استانبول اداره می- شد که به تهران منتقل شد. او فوراً فعالیتهای خود را در زمینه توسعه تجارت، صنعت و طرحهای موثر سازنده آغاز کرد از جمله: راه آهن که تحت نظارت بانک شرقی آلمان بود. در این موقع آلمانها در نظر داشتند که به جنبش مشروطیت از نظر مالی کمک کنند ولی با روشهای غیر مستقیم نه دادن وام علنی. آنان فریاد ایران برای ایرانی را از هر کسی بلندتر سر می دانند، اگر بانک آلمان و بانک ملی ایران یکی می شدند، می توانستند بانک شاهنشاهی را از صحنه خارج کنند (میر فخرایی: ۱۲۳) دیپلماتهای آلمانیو مقامات اورینت بانک، مشترکاً مسئولیت نقشه ضد انگلیسی را بر عهده داشتند، پس از افشاکری استانداردارد (روزنامه انگلیسی) مبنی بر دادن امتیاز بانک آلمان در تهران به «دفتر ولف» که رسماً از سوی این دفتر تکذیب شد (۱۹۰۷م) این روزنامه ادعای دیگری را مطرح کرد که آلمان در نظر دارد، برای تکمیل نقشه های سودجویانه خود در ایران، در بغداد نیز یک بانک را تاسیس کند.

روزنامه استاندارد نوشت: «این موضوع که راه آهن آناتولی و دویچه بانک روابط نزدیک با یکدیگر دارند کاملاً روشن است... از طرف دیگر اورینت بانک در ارتباط نزدیک با درسدن (درسدن) بانک است. بانک ملی آلمان و اتحادیه بانک شاف هاوزن^۱ هر دو گروه بانکی که تاکنون رقیب یکدیگر بوده اند، برای پیشبرد منافع مشترک در عثمانی و ایران با یکدیگر متحد شده اند و این مفهوم آغاز عصر جدیدی در بهره مندی آلمان در شرق نزدیک و شرق میانه است و به این دلیل نمی توان تصور کرد که دو گروه بانکی تنها برای این متحد شده اند که یک بانک در بغداد تاسیس شود، بلکه فعالیت این بانکها کلاً در زمینه آبیاری بین النهرین و تامین هزینه های راه آهن آلمان از بغداد به خلیج فارس و از بغداد به مرزهای ایران خواهد بود. در این رابطه روزنامه استاندارد مدعی شد که دو گروه بانکی آلمان در نظر دارند که خاورمیانه را بین خود تقسیم کنند، همانگونه که اسپانیا و پرتغال دنیای جدید (قاره آمریکا) را بین خود تقسیم کرده بودند (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۱۵۲۱۰۰۲۴۰۰، محل در آرشیو ۲۰۰ آب ۳۱۱: ۳۲).

استمریش (نماینده سیاسی آلمان در تهران) اصرار داشت که ایران بانک آلمان را در همان جایگاهی قرار دهد که بانکهای رقیب (روس و انگلیس) داشتند. او محافظت شصت ساله،

¹ - schaffhausen

محافظت نظامی از ساختمان مرکزی و شعبه‌های آن، آزادی از پرداخت مالیات و گمرک و گذاشتن املاک، حق ضرب سکه نقره برای دولت، حق انتخاب از جانب بانک برای تامین آب و پروژه آبیاری در ایالت تهران و اجازه تاسیس بانک رهنی. علاوه بر این بانک آلمان باید اجازه دادن وام به ایران را داشته باشد هرچند از این حق خود استفاده نخواهد کرد (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۵ تا ۲۱۰/۱۲۱/۵۴/۱)

مسئله استمریش این نکات را زیر بنای مذاکرات خود قرار داده ولی چندان امیدوار نبود همه این نکات پذیرفته شود، همانطور که استمریش اظهار کرده بود این موضوع بستگی به وضعیت آن لحظه ایران داشت، دولت ایران در وضع بدی گرفتار شده بود، از یک طرف نمی خواست روس و انگلیس را از خود ناراضی کند و از طرف دیگر مایل نبود آلمانها را از دست دهد، اما نزدیکی به آلمان مفهومی نداشت جز دوری از روس و انگلیس.

بانک آلمان قرار بود به عنوان بانک تجاری شعبی در تهران، سمنان، قزوین و قم داشته باشد و به جز نفت حق اکتشاف هفت معدن نیز به آنان داده شده بود؛ همچنین قرار بود بانک آلمان ظرف دو سال تاسیس شود و دولت ایران زمین رایگان را در اختیار بانک قرار دهد، آلمان درخواست به انحصار در آردن نقره را داشت که امکان موافقت آن وجود نداشت، زیرا در انحصار بانک روس بود. مجلس دو شرط به آن اضافه کرده بود که دولت ایران نمی توانست با آن موافقت کند زیرا دولت ایران در وامی که از روسیه گرفته بود متعهد شده بود تا بدون رضایت روسیه هیچگونه امتیازاتی ندهد، ایجاد بانک مستلزم دادن امتیازات بود از این جهت دولت ایران نمی توانست با آن موافقت کند. راه‌آهن بغداد نیز جزء امتیازات بانک بود. دولت ایران محرمانه با دولت روس و انگلیس قرار می گذاشته بود اما در این گپرو دار اتابک به قتل رسید (هدایت: ۱۹۲)

سعید رفعت نماینده دویچه بانک از آلمان به تهران فرستاده شد تا شرایط را بررسی کند، او سه نکته که مورد نظر دولت امپراطوری آلمان بود اینگونه به اطلاع رساند:

- تقویت نفوذ اقتصادی آلمان در ایران
- لزوم ایجاد یک نیروی مقابله کننده در برابر انحصارطلبی دو نیروی متحد روسیه و انگلیس تا مانع توسعه آنها شود.

- بدل توجه بیشتر به انتظارات ایران و موافقت با خواسته‌های ایرانیان (جی براد فورد: ۱۹۳-۱۹۴)
او در اظهاراتش به این مطلب تاکید می کرد که ایرانیها بارها از آلمانها ناامیده شده‌اند و این موضوع باعث سرخوردگی آنها از آلمانها شده است این واقعیت به نحو قابل توجهی به حیثیت

آلمان لطمه وارد آورده است و انگلیس و روسیه به نحو احسن از این موضوع به نفع خود بهره برداری کرده اند.

کولنیشه (kolnische) هشدار روزنامه نوویه وریا (novoye vermya) را این طور تفسیر کرد: «با توجه به میلیونها سرمایه‌ای که روسیه داخل ایران ریخته است و آنچه که نیروهای ارتش این کشور برای محافظت و جلوگیری و اضمحلال کامل ایران انجام داده‌اند، هرگونه دخالت در امور مالی و نظامی ایران به عنوان یک حرکت خصمانه بر ضد منافع روس و انگلیس تلقی خواهد شد، زیرا همسایگان ایران (روسیه و انگلستان) در این فکر بودند که وام درخواستی را با شرایطی به ایران بدهند که به نفع این کشور باشد در حالی که سرمایه داران آلمانی فقط به فکر دریافت منافع عظیم و منظم خود بودند نه برقراری نظم در ایران. از این رو روسیه و انگلیس می‌بایست فوراً بر ضد اقدامات بانکداران آلمانی مداخله کنند، زیرا این اقدامات آلمانیها نه تنها به خیر و صلاح ایران نبود بلکه مغایرت منع منافع قانونی دو دولت بود».

در اواخر آوریل ۱۹۱۰م روزنامه استاندارد، کشف کرد که در حال حاضر تدارکات مقدماتی برای سرمایه گذاری آلمانها در زمینه‌های مختلف در ایران انجام گرفته و در آینده به نتایج روشنی خواهد رسید. برخی کارخانجات عظیم که نقش رهبری در صنایع شیمیایی آلمان را دارند، برنامه ریزی کرده‌اند که با جانشین کردن اتیلین «به جای رنگ طبیعی» فروش خود را افزایش دهند، در حالی که دیگران در نظر داشتند که مزارع تریاک ایجاد کنند، به هر حال قرار بود که سرمایه گذاران آلمان صنعت قالی بافی ایران را بدست گیرند. علاوه بر این بانک اورینت در تداوم ایجاد شعبه‌ها و نمایندگی‌هایی در کرمانشاه، اصفهان و شیراز است و این مراکز فعالیت آلمانها به زودی گشایش شعبه‌های دیگر را بدنبال خواهد داشت (باری یر: ۱۹۸).

شونه من (shuneman) که نماینده کنسولگری آلمان در تبریز بود، همزمان یکی از شرکاء شرکت موسینگ (mossing) به نام (moosing & shuneman) بود که وسیله آلمانها اداره می‌شد و آن را در محل به نام شرکت آلمان یا germany company می شناختند (جی براد فورد: ۱۹۹-۲۰۰)

شکست اقدامات برای ساخت بانک آلمانی در ایران

شرکت آلمان به خاطر سر و صدایی که در مورد پیش برد مداوم هدفهای تجاری آلمان در تبریز و مناطق اطراف آن ایجاد کرده بود، مانند خاری در چشم روسها بود و اغلب باعث دردسر دیپلماتهای آلمانی در پایتخت نیز می شد. شونه من در نظر داشت که گروه تجار آلمانی را که در آنجا بودند در یک مستعمره تجاری جای دهد و این مستعمره قرار بود مرکز نفوذ و پایگاه

مقاومت در برابر روسها باشد. برای گسترش تجارت آلمان در محل، شونه من خواست که یک بانک در تبریز تاسیس شود البته به همان منظوری که دیگر تجار مایل بودند که بانکی در ایران ایجاد شود. شونه من به منظور فراهم آوردن پایه مالی برای توسعه منطقه ای جهت تجارت آلمان خواستار تاسیس شعبه بانکی در تبریز بود. به عقیده وی تنها در مورد چنین موسساتی است که آنها می توانند اقدامات خود را سامان ببخشند، در آغاز نمی بایست هیچ اشتباهی رخ دهد. باید از یک حرکت ناگهانی یا مقاصد سیاسی یا عملیات گسترده با سرمایه گذاری در مقیاس وسیع احتراز شود. به نظر شونه من بانک می توانست از راههای مختلف پول بدست آورد من جمله از راه معاملات با ارز خارجی، تخفیف در بارنامه در حمل ترانزیت از آلمان، خرید و فروش داخلی، افزایش کالا، مشارکت در صادرات فرش و دیگر کالاهای صادراتی و واردات و ضرب سکه نقره کسب سود نماید(جی براد فورد: ۲۰۸)

در موعده مقرر وزارت امور خارجه به اورینت بانک که هنوز تحت تاثیر پیشنهاد شونه من بود، اطلاع داد که با در نظر گرفتن این واقعیت که تبریز درست در مرکز حوزه تحت نفوذ روسیه است دو ماه پیش در دیدار دو امپراطور در پوتسدام دولت آلمان به طور آزمایشی این منطقه نفوذی را به رسمیت شناخت، اقدامی که برای تاسیس بانک آلمان در ایران صورت گرفت با شکست روبرو گردید، این شکست به دلیل نابسامانی اوضاع حاکم در زمان انقلاب مشروطه و نیز به جهت فشارهایی که از سوی انگلیس و روسیه اعمال می شد بود. این فشارها سبب شد که وزارت خارجه آلمان فکر کند که فشارهای سیاسی ناشی از بانک از نظر سیاسی مخاطره آمیز خواهد بود، آلمان درک کرد که توسعه بیشتر بانک به ضرر این کشور خواهد بود(مرکز ارشیو و اسناد وزارت امور خارجه: سال ۱۳۲۰: کارتن ۱۴/۵ پوشه ۵۱/۲).

انگیزه های آلمان برای تاسیس بانک یا بانکهای بیشتر بر این سیاست استوار بود که با رخنه در بازار و صنایع منابع جدید مواد خام را پیدا کند، علی رغم اعتراض های مکرر آلمان می خواست نفوذهای سیاسی در ایران بدست آورد. تلاشها و کوششهای آلمان در مورد مساله بانک نتیجه نداد و تاسیس بانک در حد یک تلاش باقی ماند و در عمل به جایی نرسید(همان) از نظر ایرانیها تاسیس یک بانک ایرانی با اهمیت تلقی می شد و فکر می کردند آلمان سیاستی اتخاذ کرده است که از آنها در برابر روسیه و انگلیس حمایت کند، ولی وقتی آلمان چندان اشتیاق به درگیر شدن عمیق در این جریان نداشت، بیشتر ایرانیها به سرخوردگی دچار گردیده و ناراحت شدند، اما هنوز ایرانیهایی بودند که که به کمک آلمان اعتقاد داشتند مخصوصا در زمینه سیاسی(همان: ۳۷۴).

آلمان ها و تاسیس بانک ملی

دولتمردان غیر وابسته ایران تمایل داشتند که آلمانها را ترغیب کنند تا نقش فعال تری در ایران ایفا کنند و آلمان نیز علاقه داشت که نفوذ انگلستان و روسیه در ایران محدود شود. برلین مخالف آن بود که روسها تا خلیج فارس جلو بروند و ایران را مطابق نمونه خیوه و بخارا روسی نمایند و همچنین مخالف پراکنده شدن انگلیسیها از طریق مرز جنوبی در سراسر ایران بود. برای حصول به این هدف در زمان اقامت «شولنبرگ» در تهران (سفیر آلمان در ایران) که نمایندگی خط منافع آلمان در تهران را به عهده داشت گامهای بلندی برداشته شد و منافی برای آلمان تحصیل گردید. دولت ایران نیز مایل بود که متخصصان آلمانی را استخدام و آن وظایف و کارهایی را که نمی توانست به روسها و انگلیسیها واگذار نماید به دست آلمانیها سپرده شود. برای پیشبرد اهداف آلمان در ایران لازم بود که آلمان به چشم ایرانیان قدرتی بزرگ و استعماری جلوه گر نشود زیرا ایرانیها از قدرتهای استعماری به شدت بیزار بودند (دلدم ج ۳: ۷۴۷)

قانون تاسیس بانک ملی در اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ ش/۱۹۲۷ م به تصویب مجلس ایران رسید (پیرا ۱۳۷۹: ۱۱۲) و در هفتم شهریور ماه ۱۳۰۷ ش نخستین بانک تجاری ایران به نام بانک ملی ایران آغاز به کار کرد. این بانک با سرمایه معادل دو میلیون تومان شروع به کار کرد. برای اداره بانک مزبور با توجه به مصوبه مجلس شورای ملی و به پیشنهاد «محمد علی فرزین وزیرمختار ایران در آلمان» یک نفر متخصص مالی آلمانی به نام دکتر کورت لیندن بلات (linden belat) تبعه آلمان مدیر سابق بانک کوویت صوفیا به مدیریت بانک مزبور استخدام گردید (گذشته چراغ راه آینده بی تا: ۶۰) او با اختیارات فراوان که داشت اقدام به استخدام اتباع آلمانی در شعب بانک ملی نمود (پیرا ۱۳۷۹: ۱۹۲) او از همان نخستین روزهای ورود به تهران به تیمورتاش نزدیک شد و طوری خود را به او نزدیک کرد که در تمام موارد نظر مشورتی او را می گرفت (عاقلی ۱۳۷۰: ۷۶) اولین حساب بانکی نیز به نام شماره یک به نام رضا شاه پهلوی افتتاح شد و به این ترتیب بانک ملی رسماً کار خود را آغاز کرد. شولنبرگ در این مورد می گوید: «پیروزی آلمان در تاسیس بانک ملی ایران موفقیت عمده ای برای او بود. «لیندن بلات» بانکدار معروف و آلمانی که سابق بر این مدیریت بانکهای بلغارستان در صوفیا را عهده دار بود به عنوان اولین مدیر کل بانک ملی ایران استخدام شد. با توجه به اینکه بانکداری در ایران صنعت جوانی بود و کادر متخصص ایرانی برای اداره امور آن در محل وجود نداشت. «لیندن بلات» اقدام به استخدام کارشناسان آلمانی نمود و تقریباً کلیه سمتهای عمده را به بانک را به

آلمانیها سپرد. و آلمانیها در سراسر ایران در راس شعب بانک ملی قرار گرفتند. هنوز مدت کوتاهی نگذشته بود که تعداد مدیران ارشد بانک ملی ایران از مرز هفتاد نفر گذشت. قرارداد لیندن بلات که در ۱۱ فروردین سال ۱۳۰۷ ش به امضا رسید و مفاد آن با دولت پهلوی به قرار زیر است:

قرارداد استخدام مشتمل بر ۹ ماده:

ماده اول: دولت شاهنشاهی ایران آقای لیندن بلات تبعه آلمان مدیر سابق بانک کوویت در صوفیارا به عنوان ریاست بانک ملی ایران برای مدت سه سال که شروع آن از موقع ورود آقای دکتر لیندن بلات به تهران خواهد بود استخدام می‌نماید.

ماده دوم: مواجب سالیانه آقای لیندن بلات به مبلغ هفده هزار تومان مقرر است که معادل یک دوازدهم آن در آخر هر ماه شمسی ایرانی تادیه شود. علاوه بر این مواجب دولت ایران یک منزل و اثاثیه مناسب با سوخت زمستانی و روشنایی در اختیار مشارالیه خواهد گذاشت و یا اینکه معادل صدی پانزده مواجب فوق‌الذکر برای این مصرف به رسم فوق‌العاده به آقای دکتر لیندن بلات پرداخته خواهد شد. در انتخاب یکی از این دو ترتیب اختیار با دولت است.

ماده سوم: دولت شاهنشاهی ایران قبل از حرکت آقای لیندن بلات از برلن مبلغ پانصد تومان به عنوان خرج سفر از آلمان الی تهران به مشارالیه خواهد پرداخت. معادل این مبلغ نیز در انقضای مدت این کنترات یا در مواقعی که دولت مطابق مفهوم ماده ۲ ذیل کنترات را فسخ نمایند به عنوان خرج مسافرت مراجعت به مشارالیه پرداخته خواهد شد.

ماده چهارم: آقای لیندن بلات متعهد می‌شود به مجرد ورود به تهران برای تاسیس بانک ملی ایران کلیه اقدامات لازمه را به عمل آورد و همچنین متعهد می‌کند شغل مدیریت بانک ملی را مطابق قانون مقررات چهارم اردیبهشت ۱۳۰۶ ش (پنجم مه ۱۹۲۷ م) و اساسنامه بانک مزبور عهده دار باشد.

ماده پنجم: آقای لیندن بلات تعهد قطعی می‌نماید که وظایف خود را با رعایت قوانین و نظام نامه‌های مملکت شاهنشاهی انجام داده و از هر نوع مداخله در امور سیاسی و مذهبی احتراز نماید. به علاوه مشارالیه تعهد می‌نماید که هیچگونه تجارت و عملیات بانکی برای شخص خود و اشخاص دیگر ننماید.

ماده ششم: آقای لیندن بلات در آخر هر سال خدمت حق یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت. مشارالیه می‌تواند از این مرخصی خود یکجا نیز استفاده نماید در این صورت شروع آن سه ماه قبل از انقضای مدت کنترات خواهد بود.

ماده هفتم: دولت شاهنشاهی ایران این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که با پرداخت مبلغی معادل سه ماه مواجی که در فقره اول ماده دوم ذکر شده و در وجه آقای لیندن بلات این کنترات فسخ نماید. در این صورت آقای لیندن بلات حق استفاده از مخارج مراجعت را مطابق مبلغی که در فقره دوم ماده سوم قید شده است خواهد بود.

ماده هشتم: در صورتی که آقای لیندن بلات مقررات مذکوره در ماده پنجم فوق الذکر را نقض نماید، دولت شاهنشاهی ایران حق خواهد داشت این کنترات را فسخ نماید. در این صورت آقای لیندن بلات حقی به دریافت مخارج مسافرت و هیچ نوع مخارج دیگر و مطالبه خسارت به هیچ اسم و رسم نخواهد داشت و همچنین در صورتی که مشار الیه به هر علتی که باشد شخصا به خدمت خود خاتمه دهد و حق مطالبه مخارج مسافرت و هیچ نوع مخارج و مطالبه خسارت نخواهد داشت. در کلیه این موارد حق دولت شاهنشاهی ایران در باب خسارتی که ممکن است از مشارالیه مطالبه شود باقی خواهد بود.

ماده نهم: اختلافاتی که ممکن است در تفسیر شرایط این کنترات حادث شود به هیئت حکمیت مراجعت خواهد شد. محکمه مزبور از سه نفر حکم تشکیل می‌شود که یک نفر از طرف دولت شاهنشاهی، دیگری از طرف آقای لیندن بلات معین و سومی با موافقت حکمین انتخاب می‌شود. رای حکمیتی که صادر می‌شود قطعی است و قابل تشبث دیگری نخواهد بود.

این کنترات بر حسب اجازه حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء در برلین امضاء شد تا در تهران به امضای وزارت جلیله مالیه برسد و از ثبت دفتر وزارت جلیله امور خارجه بگذرد.

فیروز وزارت مالیه (سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳ تا ۲۴۰/۱۰۹/۵۵/۱)

در روز ۲۱ سپتامبر ۱۹۲۷/۷ مهر ۱۳۰۶ قانونی دیگر در مجلس به تصویب رسید که مقرر می‌داشت که یک متخصص عالی رتبه آلمانی به همراه متخصص آلمانی دیگر برای مشاوره در امور مالی و اقتصادی در کشور استخدام شود (همان: ۱۸۷)

نظام بانکداری ایران از زمان قاجاریه رابطه ای تنگاتنگ با ضرب سکه داشت و بانک شاهنشاهی انگلیس و بانک استقراضی روسیه با به دست گرفتن ضرب سکه در ایران در اصل اقتصاد ایران را در دست داشتند در زمان پهلوی اول ایجاد ضرابخانه و تعیین واحد مقیاس پول ایران مود توجه دولت پهلوی قرار گرفت و «با تصویب (قانون) واحد مقیاس پول ایران در مجلس شورای ملی در سال ۱۳۰۸ش لوازم کامل ضرب سکه از کارخانجات گروه آلمان خریداری و توسط مهندسین آلمانی نصب گردید و از سال ۱۳۱۰ش به بعد قریب هفت سال امور کارخانجات ضرابخانه به وسیله مهندسان آلمانی که با حقوق گزاف استخدام شده بودند اداره می‌شد (ارشيو

و اسناد وزارت امور خارجه: سال ۱۳۲۰: کارتن ۱۶/۵ پوشه ۵۶/۳ در مورخه ۲ دی بین تجارتخانه برادران شاهرخ و شرکت زیمنس شوگرت zimens schugert به نمایندگی مسیو ارتل قراردادی منعقد شد که خرید و نصب ضرب دستگاه های سکه و کارخانه تصفیه طلا را از آلمان خریداری و به ایران منتقل نمودند(در ضمام متن قرارداد آمده است).

در تاریخ ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۰ حق نشر اسکناس از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و رسماً به مدت ۱۰ سال به بانک ملی ایران اعطا شد و در فروردین ماه ۱۳۱۱ نخستین اسکناس بانک ملی ایران انتشار یافت، با توجه به اینکه بانک ملی ایران تقریباً در همه امور مهم مملکتی در سراسر کشور مداخله می کرد، کارکنان آلمانی بانک به اطلاعات ذیقیمتی در مسائل اقتصادی ایران دست یافتند و همین اطلاعات سبب پیروزی های آتی موسسات آلمانی در صحنه اقتصادی گردید.

اما تاسیس بانک ملی و گسترش نفوذ آن در نظر آلمانیها و نقش آن در روابط دو کشور حائز اهمیت بود. از آنجایی که بانک شعب مختلفی در شهرهای کشور برقرار کرده بود کارکنان آلمانی بانک به امور اقتصادی ایران آشنا شده بودند و توانستند اطلاعات ذیقیمتی را در اختیار بازرگانان آلمانی قرار دهند(دلدن ج ۳: ۱۲۳؛ بلوشر: ۱۲۰)

توسعه بانک ملی ایران لزوماً به زیان بانک شاهنشاهی ایران که موسس و گرداننده آن انگلیسیها بودند تمام شد و انحصار امور اقتصادی ایران را از دست آنها درآورده است و سبب خشم انگلیسیها گردید که از این به بعد می بایست به یک نقش درجه دوم در صحنه اقتصاد ایران اکتفا کنند(دلدن ج ۳: ۷۴۸-۷۴۹)

فرمان تاسیس بانک ملی ایران مشتمل بر ۱۲ فصل صادر گردید:

-تبعه ایران می تواند سهمیم باشد

-عایدات دولت توسط این بانک داد و ستد می شود

-بانک می تواند زراعتی خرید و فروش برات کند، قرض بدهد و استقراضی نماید.

-امتیاز رواج اسکناس پس از ختم امتیاز بانک شاهنشاهی با این بانک خواهد بود

-امتیاز راه آهن و شوسه

-اکتشافات معادن در اراضی دولتی به این بانک داده خواهد شد

-امتیاز غواصی در خلیج فارس

-تقدم در آوردن نقره برای ضربخانه

-دولت حق تفتیش در بانک را دارد

-فروش امتیاز این فرمان به خارجه ممنوع است
 -بانک تا خمس سرمایه در صورت ضرورت به دولت قرض بدهد.
 -مدت امتیاز یکصد و ده سال است(میر فخرایی ج ۱: ۱۵۸)
 ضمانت اسکناس های قبلی که تومان بود از جریان خارج و اسکناسها جدید با واحد ده ریالی تا هزار ریالی به گردش افتاد(مکی ج ۴: ۵۰۴)
 توسعه بانک ملی به ضرر بانک شاهنشاهی و انگلیسی بود که تاکنون مقام انحصار کنترل پولی نظام کشور را داشت. در واقع حضور بانک ملی برای ایرانیان و آلمانی ها بسیار خوب تلقی می شد و این بانک تا اوایل سال ۱۳۱۱ ش به اتکا بصیرت آلمانیها اداره می‌شود. اما در طول کار بانک براساس بازاریابی‌هایی که به عمل آمد مشخص شد بانک در انجام معاملات خود بی‌پروایی نیز به کار برده است. مخبر السلطنه در این باره اظهار می‌دارد: «معلوم شد معاملاتی بدون وثیقه کافی شده و خساراتی وارد آمده است، لیندن بلات رئیس بانک زیاد مقید به رعایت نظرات هیئت نظارت نبوده است و شاید متکی به تیمورتاش، در هر حال اختلاس‌هایی مسلم شد.....این واقعیت برای آلمان نهایت اهمیت را داشت. عده کثیری از متخصصان آلمانی در حال حاضر در ایران کار می‌کنند. به طوری که می‌توان گفت سیاست آلمان در ایران رو به غلبه داشت و بانک ملی ایران قلب اقتصاد بود.»(هدایت: ۳۹۰)
 به هر حال جریان بازرسی و رسیدگی به کار بانک به عهده حسنقلی نواب^۱ رئیس بانک واگذار شده بود. در ایران جنجالی برپا کرد. لیندن بلات با آگاهی از خطاهای خود در تیرماه به بهانه استراحت مرخصی گرفت و از ایران خارج شد(فراستی: ۱۹۹)
 چندی بعد معاون وی فوگل^۲ با استفاده از صندوق عقب ماشین یک دندان پزشک که ویزای بغداد داشت به بیروت گریخت(بلوشر: ۲۵۶) نتیجه بازرسیهای نواب حکایت از وجود عملیات و اقدامات نامشروع بانک و تنظیم بیلان جعلی توسط مدیر بانک و معاون وی بود. بنابراین بلات و فوگل تحت تعقیب و برای ادای توضیحات به ایران احضار شدند. فوگل در این زمینه پیش دستی کرد و به هنگامی که دولت ایران از دولت سوریه درخواست استرداد وی را کرد، در حومه

^۱ - حسینقلی خان نواب یکی از رجال تندرو و صدر مشروطه بود. قبل از ظهور مشروطیت در وزارت خارجه دارای مقاماتی بود. بعد از مشروطه نیز در زمره آزادی خواهان قرار گرفت و به حزب دموکرات پیوست. متین دفتری، احمد، خاطرات یک نخست وزیر، به کوشش باقر عاملی، تهران، انتشارت علمی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۵.

شهر خود را به دار آویخت. لیندن بلات نیز با اصرار و پافشاری « بلوشر سفیر آلمان در ایران»، به همراه وکیل برلینی خود به تهران بازگشت تا پاسخگوی کمیسیون بازرسی ایران شود اما چون قادر به پاسخگویی و دفاع از خود نبود کار به محاکمه جزایی کشید (همان: ۲۵۷) به طور کلی اتهامات عمدی که بر وی مترتب می شد به شرح زیر بود:

الف) اعطای اعتبارات به رجال و تجار ایران بدون دریافت وثیقه‌ای معتبر ب) و لخرجی و صرف هزینه‌های بی‌محاسبه نظیر استخدام اتباع غیر ایرانی، برگزاری مهمانی و ضیافت و اعطای هدایای بی مورد.

ج) دست داشتن در معاملات خرید و فروش تریاک که از جانب آن بانک متحمل ضرر و خسارت شده بود.

د) خرید سهام قدیمی شرکت نفت خوریان به قیمتی بیش از قیمت حقیقی آن.

ه) خرید و فروش نامشروع اسعار خارجی با افراد و موسسات

و) دست داشتن در معاملات نامشروع، ۶ فقره

ز) فروش طلا و برداشت مبالغی تحت عنوان حق العمل خرید کالا

ح) اختلاس سه فقره

ط) تنظیم بیلان جعلی به صورتی غیر واقعی (فراستی: ۱۹۹-۲۵۷)

دادستان دادگاه عباسقلی گلشائیان و وکلای مدافع لیندن بلات عبارت بودند از عبارت بودند از دکتر آقایان، مظفر فیروز و دکتر هرشونوس آلمانی. وی در ابتدا به هیجده ماه زندان و پرداخت مبلغ هفت هزار لیره انگلیسی و چهل هزار ریال محکوم شد. اما پس از مدتی که در زندان به سر برد طبق مصالحه‌ای با پرداخت شصت و سه هزار تومان به بانک ملی در ۱۳۱۳ش/۱۹۳۴م آزاد شد (همان: ۲۰۰)

به گفته بلوشر رسوائی لیندن بلات و فوگل برگ سیاهی در تاریخ روابط آلمان با ایران بود، اعتماد نامحدود یک دوست خارجی به دو مدیر آلمانی و سو استفاده شرم آور از آن، ضربه ناخوشایندی به حیثیت و قابلیت آلمانی‌ها نه تنها در ایران بلکه در خاورمیانه بود. آنقدر که به عقیده وی اگر انگلیسیها می‌خواستند با توجه به رقابتی که بین بانک ملی و شاهنشاهی وجود داشت، می‌توانستند از آن استفاده تبلیغاتی بسیاری در جهت منافع خود بکنند (بلوشر: ۲۵۸)

اما بهترین اقدام دولت در نشان دادن حسن نیت خود نسبت به آلمان استخدام یک آلمانی دیگر به جانشینی بلات بود، بدین منظور به عنایت الله سمیعی وزیر مختار ایران در فرانسه دستور داده شد که پیرامون افرادی که از سفارت آلمان در تهران معرفی شده بود تحقیق کند.

نتیجه تحقیقات اینکه در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۱۱ش حسین علاء به ریاست هیات مدیره بانک و هرشیتس هورست به سمت مدیر عامل بانک با اختیارات محدودتری رسیدند. (فراستی: ۲۰۳-۲۳۶) هورست در رشته بانکداری متخصص به شمار می رفت و از اطلاعات و معلومات مناسبی برخوردار بود. فرانسوی و انگلیسی خیلی خوب حرف می زد و علاوه بر این وظیفه خاصی نیز بر عهده نداشت. چرا که به زودی روشن شد موقعیت بانک از نظر مالی در شرایط خوبی قرار دارد و به علاوه هنوز در شعبه‌ی دیگر بانک افراد آلمانی حضور داشتند، افرادی چون گلیهامر رئیس شعبه‌ی کرمانشاه، گلدوبر توام رئیس شعبه‌ی رشت، هارتمان رئیس شعبه اهواز، آلبرت شنیدر کفیل بانک پس از برکنار بلات، وست رئیس شعبه زاهدان، ژامس سلیتگر و والتر هرشتس به عنوان هیات مدیره بانک و دکتر اوتو شینوید و شارل کلایه به عنوان هیات نظارت استفاده می-شد (محبوبی اردکانی: ۱۱۴-۱۱۵)

اما هنگامی که یک سال از قرارداد هورست گذشت دولت ایران قرارداد وی را تمدید نکرد و موقع آن را مناسب تشخیص داد که مدیریت بانک به عهده ایرانی قرار گیرد، برای این کار امیر خسروی در نظر گرفته شد که در بانگهای ایرانی کار کرده بود و مورد اعتماد شاه بود. در مقامهای پایینتر بانک نیز رفته رفته ایرانیان جای آلمانیها را گرفتند هرچند چنین اقدامی اجتناب ناپذیر بود اما سرعت آن را می بایست در اثرات سوء ماجرای لیندن بلات و فوگل دانست (بلوشر: ۱۵۹)

فهرست منابع و مآخذ

- آوری، پیتر (۱۳۸۳) تاریخ ایران کمبریج (تاریخ ایران دوره افشاریه، زندیه، قاجاریه) ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات جامی.
- باری، جولیان (۱۳۶۳) اقتصاد ایران (۱۲۷۹-۱۳۴۹ ش/۱۹۰۰-۱۹۷۰ م) ترجمه و حواشی مرکز تحقیقات حسابداری و حسابداری و حسابرسی سازمان ملی صنایع و سازمان برنامه، تهران، موسسه و حسابرسی سازمان ملی صنایع و سازمان برنامه.
- براد فورد، مارتین جی (۱۳۶۸) تاریخ روابط ایران و آلمان، ترجمه پیمان آزاد و علی امید، تهران، موسسه پیک ترجمه و نشر.
- بلوشر، ویپرود (۱۳۶۹) سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکائوس جهاننداری، تهران، انتشارات خوارزمی.
- پیرا، فاطمه (۱۳۷۹) روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دلدن، اسکندر (۱۳۷۰) زندگی پرماجرای رضا شاه، تهران، نشر گلفام.
- ذوقی، ایرج (۱۳۶۸) ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، انتشارات پاژنگ.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۳) تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضا شاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات روبن-معین.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰) خاطرات یک نخست وزیر (دکتر احمد متین دفتری) تهران، انتشارات علمی تهران.
- فراستی، رضا (۱۳۷۱) اسنادی از مدیریت آلمانها در بانک ملی ایران تاریخ معاصر ایران، تهران، کتاب هفتم.
- گذشته چراغ راه آینده (تاریخ ایران در فاصله دو کودتا) (بی تا) تهران، انتشارات نیلوفر.
- محبوبی اردکان، حسین (۲۵۳۷)، تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران.
- مکی، حسین (۱۳۷۴) تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی.
- میرفخرایی، فرشته اعظم (۱۳۷۱) آلمان به عنوان قدرت سوم سیاسی در ایران از ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول، تهران، بی تا.
- هدایت، مخبر السلطنه (۱۳۴۴) خاطرات و خطرات، تهران، چاپ کتابفروشی زوار.
- هدایت، مخبر السلطنه (۱۳۶۳) گزارش ایران قاجاریه و مشروطیت، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران، انتشارات پاژنگ.

— یکتائی، مجید (۱۳۴۰) تاریخ دارائی ایران، تهران، انتشارات پیروز.

مراکز اسنادی:

سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۳ تا ۲۴۰/۱۰۹/۵۵/۱
سند شماره ۱۵۲۱-۲۴۰۰۰، محل در آرشیو ۲۰۰ آب آ: ۳۲.
(سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ۵ تا ۲۱۰/۱۲۱/۵۴/۱)

مرکز آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه: سال ۱۳۲۰: کارتن ۱۶/۵ پوشه ۵۶/۳

مرکز آرشیو و اسناد وزارت امور خارجه: سال ۱۳۲۰: کارتن ۱۴/۵ پوشه ۵۱/۲.

